

متن سخنرانی رفیق عبدالله نایبی رئیس نهضت آینده افغانستان

در گردهمایی اعلام موجودیت ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان

مؤرخ ۶ حمل سال ۱۳۹۱ مطابق ۲۵ ماه مارچ ۲۰۱۲

همرهان و دوستان عزیز،

نخست از همه سلامهای گرم اعضای نهضت آینده افغانستان را به شما تقدیم می دارم.

دیروز، روز خجسته یی بود که دادخواهان میهن ما را در کنار هم گرد آورد. روزی بود که در آن مصمم ترین گام به سوی همایی نیروهای پراکنده مردم افغانستان برداشته شد و شاید روزی باشد که روزنه نوید سپیده های سترده از اجحاف را به پنجره یی مبدل سازد که از ورای آن فرداهای روشن در چشم انداز ملیونها انسان مظلوم وطن ما برویند. ما، با چنین امیدی، از پی هموار سازی بستر اندیشه یی، سیاسی و سازمانی، با روحیه سازنده گی و گذشت، به برنامه یی مشترک دست یافته ایم که تحقق آن به آغاز آن "سپیده های سترده" بینجامد.

دوستان گرامی،

پلاتفورم سیاسی تشکیلاتی که بر اساس آن احزاب و سازمانهای ما با هم پیمان بسته اند، اصول و راستا های مرامی تمام سازمانهای دموکرات و ترقیخواه کشور را در خود گنجانیده است. شیوه های کارکرد ساختاریی که در آن تسجیل یافته اند، حقوق، صلاحیتها و وظایف هر سازمان هم پیمان را به گونه شفاف تثبیت می کند. برای بار نخست است که بعد از گذشت دو دهه، سندی به جنبش دادخواهان کشور پیشکش می شود. من از نماینده گان احزاب و سازمانهای مترقی صمیمانه دعوت می کنم تا سند را با روحیه سازنده گی مطالعه نمایند، به سرگذشت غم انگیز مردم ما بیندیشند، به وظایف سترگی که در برهه حساس سرنوشت کشور فرا راه ما قرار دارند دقت کنند و آنگاه تصمیم بگیرند. من روی این نکته تأکید می کنم که تنها دو راه ممکن را تاریخ در برابر ما باز گذاشته است: یا بر استیلای این شب تاریک که همه شئون زنده گی خلق زحمتکش ما را در چنبر خود گرفته

است، گردن می نهیم و تسلیمِ توهمِ تقدیر می شویم، یا بانگِ ظلمتِ شکن داد را در کوچه ها و دره های سرزمین ما به زمزمه امید به آینده یی زوده شده از فقر و استبداد مبدل می کنیم و کوتاه ساختن دست ستم را از گریبان انسان مظلوم زادگاه مان، برهان وجودی خود به حیث فرزندان اصیل مردم افغانستان، می سازیم. چنین است هم‌رهانِ عزیز، گزینه های ممکن این دو راهه تاریخ!

آیا ما که بیشترین عمر مان را در پای حق و عدالت ریختیم و اینک با موهای سپید و با دستانی خالی در گسستگاه دیروز از فردا قرار داریم، به جز عصاره انسانیّتِ دادخواه که هنوز چون هُرم شکیبایی از روانهای خسته ما بر میخیزد، چیز دیگری داریم؟ به یقین که نی! بیایید این عصاره های منفرد را با یکدیگر بیامیزیم و از آنها مشعل بلند فروزانی سازیم که پایان دیروز را نشانی کند.

ما برآنیم که در ساختارهای بنا یافته بر ویرانه های حرکت دموکراتیک دیروزی هم کیفیت عالی اندیشه یی، هم ظرفیت تحلیل سیاسی و هم نیروی کافی انسانی وجود دارد. باید این همه را در یک آمیزش منطقی و رسالتمند با هم گره زد و از آن محرک جنبش نوین ترقیخواهانه را ساخت.

نسل بالنده جوانان بیدار با انبوهه یی از پرسشها همین اکنون در صحنه سیاسی - اجتماعی کشور فعال اند. اکثریت آنان می خواهند بدیلی را برای وضعیت فاجعه بار کنونی عرضه کنند. برماست تا حلقه وصلی شویم بین آن پیشینه مبارز و این نسل جستجوگر.

دوستان گرامی،

مردم به ما و شما چشم امید دوخته اند. جهان متری و حتا لایه های روشنبین قوتهای استیلا نیز بر ما چون ظرفیتی درخور و شایسته برای گریهایی با سرنوشت افغانستان، می اندیشند. ما نیز برای بقای جنبش متری و دموکراتیک افغانستان در پهنه تاریخ، چاره یی جز تشکل نداریم.

اگر از سویی باید به نقد سازنده دیروز مان بپردازیم و از بر شماری کاستیها، انحرافها، جفاها و خیانتها نهراسیم، از سوی دیگر حق نداریم آن گذشته پیچیده را تنها از منشور خیره دشمنیها، ستیزه ها و اختلافها، خود محور انگاریها و به ویژه قصه های تکراری این و آن، عبور دهیم. ما باید شهامت آن را داشته باشیم تا وسوسه دویی را به فراموشخانه اذهان مان بسپاریم و چون نیرویی روشنایبخش، با

صداقت و یکرنگی به سوی فردا ها بنگریم. ما باید با بیدلِ بزرگ هم صدا گردیم که می گفت: «باید نفسی پُل شد و از خویش گذشت»؛ یعنی باید هم از خود عبور کنیم و هم از خود بگذریم؛ چنین است هم‌رهانِ موقعیتِ تاریخیِ ما!

بگذار تلاش انسانی و مبارزهٔ دادخواهانهٔ ما به آرامش میهن و بهروزی انسانِ مظلومِ وطن ما بینجامد.

- زنده باد مردم زحمتکش افغانستان!

- پیروز باد داعیهٔ طلایه داران داد و حقیقت!